

گفت و گو با خانواده مرحوم مجید زاده تراب معروف به پیر کوهستان

آرزویش مرگ در کوهستان بود

برادران، سیدی - صبح روز جمعه ۱۷ آذر بود که خبرش مثل بمب پیچید و دل مشهدی ها را لرزه درآورد. شبکه های مجازی پر شد از خبرهای ضد و نقیض درباره ۱۴ کوهنورد مشهدی گرفتار شده در «اشترانکوه». این دلهره برای ما غریب بود. اما کسانی که کوهنوردان و با کوهنوردان زندگی کرده اند خیلی توجهی به اخبار منفی نشان نمی دادند. همسر مجید زاده تراب، یکی از ۹ کوهنورد فوت شده در حادثه اشترانکوه، نیز که هم خود کوهنورد است و هم سال ها با یک کوهنورد زندگی کرده، این اخبار برایش معنای خاصی نداشت. او مطمئن بود که همسرش برمی گردد؛ چرا که پیش از این نیز چندباری در کوه گمشده و بازگشته بود. این امری طبیعی برای مجید بود، اومی توانست راه را بیابد... حالا بعد از ۵۰ روز از آن حادثه تلخ، با اینکه زهراراضی و علی زاده تراب مرگ مجید را پذیرفته اند، هنوز باور این اتفاق برایشان دشوار است.

کوهنوردان حرفه ای ایران به پیر کوهستان مشهور شده بود.



فتح قله های بلند دنیا

مجدید زاده تراب در ادامه کار خود قدم در راه فتح قله های جهانی گذاشت. رضوی علقه همسرش به کوهنوردی را چنین توصیف می کند: «زمانی که مجید در شرکت کابل و سیم خراسان مشغول بود، بیشتر مرخصی هایی که می گرفت برای صعود و کوهنوردی بود، با وجودی که در ابتدا مسئول شرکت موافقت چندانی با این مرخصی های اجباری و چندین روزه نداشت، با دیدن علاقه مجید به کوهنوردی، با او همراه شد. مجید نیز هزینه زیادی را صرف خرید تجهیزات کوهنوردی می کرد و بهترین وسایل و تجهیزات را می خرید. همسر در ادامه صعودهایش قله آرات (ترکیه)، کلیمانجارو (کنیا)، بی سی اورست، کالاپاتار و لینین را فتح کرد. بعد از تأسیس باشگاه کوهنوردی آزادگان مشهد، به عنوان مدیر باشگاه انتخاب شد و بعد از بازنشستگی تمام نیرو و وقت خود را صرف کوهنوردی و آموزش کوهنوردان می کرد. یکی از آرزوهایش فتح قله اورست بود و در طی چند سفری که به کشور نپال داشت چند قله از قله رشته کوه هیمالیا را



پیر کوهستان ایران

سال ۸۴ بود که مجید زاده تراب تصمیم گرفت کوهنورد شود. او با توجه به قدرت بدنی اش خیلی زود قله های مختلف استان و کشور را فتح می کند و در بین کوهنوردان به پیر کوهستان معروف می شود. زهراراضی با اشاره به عشق و علاقه همسرش به کوهنوردی و کوهستان می گوید: مجید اعتقاد راسخی به ورزش اصولی و فنی داشت، به همین خاطر دوره های کوهنوردی را پشت سر گذاشت و موفق به کسب کارنامه مربیگری شد. اولین صعودش به قله بینالود (نیشابور) بود، بعد از آن نیز به ترتیب قله های مختلف رشته کوه های خراسان را یکی پس از دیگری فتح کرد. بعد از فتح قله های خراسان، عزمش را برای فتح دیگر قله های کشور جزم کرد. سبلان، علم کوه، دماوند از جمله قله های فتح شده توسط او بود. در همه این صعودها به دلیل برنامه ریزی و روش علمی که به کار می برد بهترین و آسان ترین صعود را به قله داشت به همین دلیل در بین

اجتماعی پخش شده و تلویزیون نیز زیرنویس کرده بود، اما باز هم باورش برای من سخت بود؛ چنانکه هنوز هم بعد از گذشت ۵۰ روز از این واقعه سخت است. من هنوز منتظر آمدن مجید هستم.



قهرمان مسابقات دوومیدانی استان و ماراتن کشور

مجدید زاده تراب از دوران نوجوانی به ورزش علاقه مند شد. دوومیدانی اولین رشته ورزشی بود که او سراغش را گرفت و توانست مقام های منطقه ای، شهری، استانی و کشوری این رشته را از آن خود کند. زاده تراب در سال ۱۳۶۷ با حضور در مسابقات استانی رتبه برتر دوومیدانی استان را کسب کرد؛ در سال ۱۳۷۰ مقام سوم مسابقات دوومیدانی کشوری را به دست آورد. از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۸۳ به صورت حرفه ای به ورزش دو ماراتن وارد شد و همیشه اسمش در بین پنج نفر برتر این رشته ورزشی در کشور قرار داشت. وی همچنین مربیگری تیم جانبازان و معلولان دوومیدانی را بر عهده داشت و شاگردان موفق راتریت کرد.

هنوز رفتنش را باور ندارم

زهراراضی (همسر مرحوم مجید زاده تراب) در توصیف حس و حال آن شب و روز کذایی می گوید: صبح جمعه ۱۷ آذر، به همراه گروه کوهنوردی به «قله چمن» رفته بودم و تلفن همراهم در دسترس نبود. از کوه که پایین آمدیم و تلفن ها روشن شد، پیچ ها میان بچه ها بالا گرفت. نگاه ها به سمت من بود اما کسی چیزی نمی گفت. ناگهان احساس کردم بند دلم پاره شده، لرز کردم، دوستانم مرا به داخل ماشین بردند. مشهد که رسیدیم، خبر را شنیدیم اما خیلی نگران نبودم، مجید عشق و علاقه زیادی به کوهستان و کوهنوردی داشت و هر زمان که برای فتح قله ای می رفت، سفرش ۲۰ روز تا یک ماه طول می کشید، حتی یکی دو مرتبه نیز در مسیر صعود به کوهستان راه را گم کرده بود و با تجربه و تیزهوشی که داشت مسیر را پیدا کرده و با سلامتی به خانه بازگشته بود. بنابراین خیالم راحت بود که مجید سالم به خانه برمی گردد. با همین خیال راحت نیز به خواهر و مادر مجید دلداری می دادم. روز

شنبه که برای گرفتن خبر راهی دفتر هیئت کوهنوردی استان شدم، در ورودی هیئت فردی به من تسلیت گفت. با خشم نگاه تندى به او کردم و گفتم تسلیت شما چه معنایی دارد؟ همسر من زنده است. اما گویی خبر صحت داشت، مجید زاده تراب سومین فردی بود که پیکرش را پیدا کرده بودند. خبرش نیز در شبکه های



در همه صعودها بهترین و آسان ترین صعود را به قله داشت به همین دلیل در بین کوهنوردان حرفه ای ایران به پیر کوهستان مشهور شده بود